

کار، کار ایرانی هاست!

وطن امروز: نخست‌وزیر جدید

انگلیس پس از تشکیل اولین جلسه کابینه‌اش در مجلس عوام این کشور، در رفتاری کاملاً مشابه با همتای آمریکایی خود دونالد ترامپ به جرمی کوربین حمله کرد. بوریس جانسون روز پنجشنبه در جمع نمایندگان مجلس عوام، در نخستین مناظره رودرو با رهبر حزب کارگر در پاسخ به پرسش‌های کوربین درمورد تعامل با ایران درباره برجام و کاهش تنش در خلیج فارس، بشدت از او انتقاد کرد. شهردار پیشین لندن که در انگلیس او را «بوجو» می‌خوانند پس از اینکه ابتدا کوربین را نزدیک به ایران خواند، گفت: «این آقا از ایران می‌پرسد. همین آقای محترمی که شبکه پرستی‌وی ایران به او پول داده است. همین آقا درباره آنچه در خلیج فارس می‌گذرد، به‌جای آنکه طرف دوستان ما در آمریکا را بگیرد، دائماً طرف ملاحای (!) تهران را می‌گیرد». بوریس جانسون همچنین گفت: حتی فکر کردن به اینکه نظارت بر امنیت کشور به جرمی کوربین واگذار شود، باورنکردنی است.

ادبیات تند جانسون و دریده‌گویی در مواجهه با منتقدانش آن هم در نخستین کنش سیاسی خود، یادآور رفتارهای پرخاشگرانه و غیرمعمول ترامپ در آمریکاست و مهر تاییدی است بر این گزاره که جانسون نسخه دوم ترامپ است. واکنش‌های هیستریک، ادبیات خلاف عرف رسمی و دیپلماتیک و درگیری مستقیم با رسانه‌ها، از جمله خصوصیتی است که بوریس جانسون و ترامپ را در یک نقطه به هم وصل می‌کند؛ مطلبی که حتی رئیس‌جمهور آمریکا هم از آن استقبال کرده است. ».



سال چهارم شماره ۲۴۵ شنبه ۵ مرداد ۱۳۹۸

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb



مولود مبارک دهه هشتاد

رسالت: روز گذشته، انتخابات دور جدید شورایاری ها در سطح محلات شهر تهران برگزار شد. اگرچه برخی رویکردهای سیاسی و اشکالات، نگذاشت مشارکت نیم میلیونی تهرانی‌ها در این انتخابات، آن طور که باید به کام شان شیرین شود، اما جای خوشحالی است که این مولود مبارک دهه هشتاد، به دور پنجم خود رسید. باید از همه کسانی که در رشد نهاد مردم سالاری و سپردن امور محلی به مردم نقش داشته اند، تشکر کرد. شوراهای شهر و روستا که در سال ۷۷ و در دوران دولت اصلاحات، شکل یافته بود، اگرچه در دوره اول درگیر حواشی شد، اما نهایتاً، به پیشرفت تهران در ابعاد مختلف اجتماعی و عمرانی کمک شایانی کرد و در واقع، در مسیر تحقق حکمرانی مطلوب در پایتخت، یک گام رو به جلو بود. مردمی کردن اداره امور، حتی اگر با اشکالاتی همراه شود، در نهایت به نفع مردم است و اگر کار در مسیر درستی قرار گیرد، دوره به دوره، کاستی‌ها و کمبودها نیز برطرف شده و نقاط قوت، بیشتر جلوه گر می‌شوند و دقیقاً از همین روست که از برگزاری انتخابات دور پنجم شورایاری های تهران، استقبال می‌کنیم. در هر دهه از انقلاب، شاهد رویش جدیدی در حرکت به سمت مردم سالاری حداکثری و استفاده از ظرفیت های نهفته محلی در پایتخت بوده ایم. اگر دهه هفتاد، برای شهر تهران، دهه تولد شورای شهر بود، دهه هشتاد، شورایاری ها با ابتکار محمدباقر قالیباف، شهردار وقت تهران به وجود آمد و با همراهی شورای سوم و چهارم و به ویژه رئیس شورا، دوره به دوره، رنگ و بوی جدی تری گرفت. شورایاری، یکی از مظاهر مردم سالاری در ابرشهر تهران است، نهادی مردمی و جوشیده از دل محلات که چندیست انتخابات و تبلیغات آن، شور و نشاط را در سطح محلات و به ویژه جوانان ایجاد کرده است. طبق اعلام مدیریت شهری، نیمی از نامزدهای این دوره، جوانان و ۲۵ درصد بانوان بوده اند. اصل این موضوع، بدون تردید، بسیار خوشحال کننده است و هر چه مردم، بیشتر حضور داشته باشند، مایه خرسندی است. اگرچه از مدیریت شهری و بدنه پرتلاش شهرداری تهران، باید تشکر کرد، اما جای این گلایه هم وجود دارد که برخی احزاب اصلاح طلب، تا حدی به این موضوع اجتماعی و شهری، ورودی سیاسی و غیرحرفه ای داشته اند. در این دوره باید اختیارات و اعتبارات شورایاران افزایش یابد. تجربه شخصی اینجانب به عنوان عضو دوره پیشین شورای شهر تهران و بررسی مسائل و مشکلات ۲۲۰ محله شهر تهران، مؤید این ادعاست که همکاری با شورایاری و استفاده از ظرفیت عظیم آن، با تمام نقاط قوت و ضعفش، نزدیک ترین، سریع ترین و کم هزینه ترین مدل مردم گرایی و محله محوری در رفع مشکلات پایتخت نشینان و پیشبرد توأمان نرم افزاری و سخت افزاری شهر تهران است. باید این نهاد را به فال نیک گرفت و از تجربه آن، در کلان شهرهای دیگر بهره جست.

مزدک به عادل هم رحم نکرد

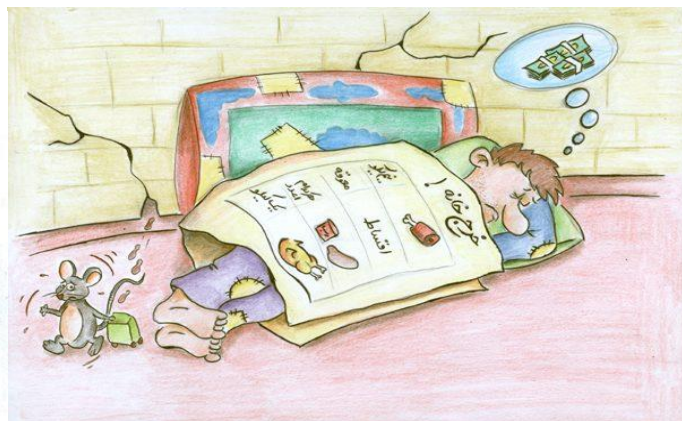
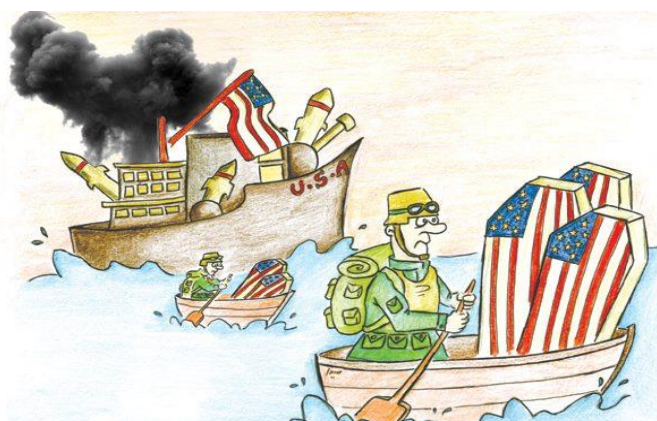
جوان: غش کردن مجری فوتبال به سمت شبکه آل سعود اگرچه یک تصمیم شخصی قلمداد می‌شود، اما نمی‌توان و نباید معنا و مفهوم این تصمیم را نادیده گرفت؛ تصمیمی که قطعاً تبعات خاص خودش را دارد. معمولاً این جور مواقع عده‌ای جیغ بنفش می‌کشند که قضاوت نکنیم، زندگی خصوصی آدم‌ها به خودشان ربط دارد و از این حرف‌ها، اما تصمیم مزدک میرزایی را نمی‌توان صرفاً به یک تصمیم شخصی محدود کرد.

اگر نسبت او با رسانه‌ای که بستر ساز شهرت و پیشرفت مادی‌اش بوده را کنار بگذاریم او به طور قطع درباره کشور و مردم ایران مسئول است. این مسئولیت شامل هر ایرانی می‌شود، اما مسئولیت آن‌ها که از طریق شهرت به نان و نوایی رسیده‌اند قاعدتاً بیشتر است چراکه اعتبار به دست آمده یک مجری ورزشی چیزی نیست که فقط متعلق به شخص او باشد. او بیش از آنکه هویتی فردی داشته باشد از هویتی جمعی برخوردار است؛ هویتی که با نام ایران و مردم ایران پیوند خورده است، بنابراین نمی‌توان چنین مسئولیتی را انکار کرد، اما مزدک میرزایی و افرادی از جنس او ثابت می‌کنند که اساساً این مسئولیت را نمی‌شناسند تا بخواهند قدر بدانند. مجری سابق مسابقات فوتبال در تصمیم عافیت طلبانه و سودجویانه‌اش حتی به رفیق ۲۰ ساله‌اش هم رحم نکرد.

عادل فردوسی پور اگر تا همین اواخر به واسطه پروپاگاندای رسانه‌ای طرفدارانش در موضع یک مظلوم قرار گرفته بود از چند روز پیش و با خبر پیوستن مزدک به رسانه سعودی در افکار عمومی به طور عادی مورد قضاوت قرار گرفته است. مردم در این چند روز با خود گفته‌اند که آیا یک مجری به فرض کم شدن درآمد باید به خود حق بدهد تا به همه چیز از جمله وطن و مردم و رسانه‌ای که سال‌ها در آن کار کرده پشت کند و خود را به آغوش رسانه‌ای بیندازد که دشمنی آن موضوع ثابت شده‌ای است.

جیغ‌های بنفش هنوز هم ادامه دارد، اما پول‌پرستی همکار عادل غیرمستقیم دم خروس برنامه نود را هم عیان کرد. چند روز پیش از رسانه‌ای شدن ماجرای مزدک یک روزنامه درباره درآمدهای نجومی نود دست به افشاگری زد و پشت بند این موضوع خبر مزدک تیتراژ اول بسیاری از رسانه‌ها شد. واضح است که آن بخش آگاه و فهمیده افکار عمومی این اتفاقات را در ذهن خود مانند یک پازل کنار هم می‌چیند و متوجه اصل ماجرا می‌شود.

مزدک میرزایی را کسی از کار بیکار نکرده بود. او همچنان به عنوان گزارشگر سیما به کار خود مشغول بود و حتی برای ساختن چند مستند تاریخی درباره فوتبال با شبکه مستند قرارداد بسته و سه چهارم از مبلغ قرارداد را هم دریافت کرده بود، بنابراین ادعای بیکار شدن او بی‌اساس است، اما ظاهراً درآمد برنامه نود برای او و دیگر اعضای تیم فردوسی پور آنقدر قابل توجه بوده که قطع شدنش باعث شود یکی از آن‌ها به همه چیز پشت کند. همکار و رفیق سابق و احتمالاً حال و آینده عادل به چند چیز خیانت کرد؛ اول به کشورش، بعد به رسانه‌ای که بستر همه پیشرفت‌هایش بود و سوم به عادل فردوسی پور. این سومی برای ظریف‌اندیشان می‌تواند جای عبرت و تأمل زیادی داشته باشد.



احمق و احمق‌تر

صبح نو: امروز، روز نابودی منافقین در دشت سرپل‌ذهاب است؛ خیانت‌بارترین اقدام گروهکی که در پیوست با صدام می‌خواست تانک‌های برزلی‌اش را نهایتاً طی یک تا دو روز به تهران برساند و حکومتش را برقرار کند. آنقدر این برنامه‌ریزی حماقت‌بار و کوتاه‌فکرانه بود که بیشتر شبیه افسانه‌ای می‌ماند مربوط به اعصار گذشته. اینکه چگونه جلادان منافق به چنین ورطه‌ای افتادند، همچنان محل بحث و گفت‌وگو است؛ از تسویه‌های درون‌سازمانی گرفته تا راهبرد صدام برای نابودی آن‌ها و... باوجوداین، هرچه که بود، نشان‌دهنده فقدان تعقل و دوراندیشی در این جریان برانداز و دیگر هم‌پالکی‌های آن از گذشته تا امروز است. همین امروز هم هشتگ‌سازان جنایتکار آلبانی که ایده فروپاشی در سال گذشته را در سر می‌پروراندند و به واسطه پول‌های سعودی و امیال سرکوب‌شده افرادی مانند بولتون و پمپئو، حتی ترامپ را مجاب به چنین واقعهای کرده بودند، دوباره مسیر تاریک فروغ جاویدان را رفتند. درواقع، دشمن در دشمنی خود نه‌تنها پیش نرفته، بلکه درجا هم می‌زند و اگر ۳۰ سال قبل می‌تواند نیروی نظامی بسیج کند، اکنون فقط به زدوخوردهای مجازی مشغول است و در درون خود، گرفتار اختلافات وسیع. باین‌حال، احمق می‌تواند اشتباهش را بازهم تکرار و خودش را مضحکه عام‌وخاص کند و این هوشیاری را باید توسعه داد که جای جلاد و شهید را نتوانند تغییر دهند.

آموزش تحلیل سیاسی / ورق برگشت

ما ایرانی‌ها در طول تاریخ طولانی خودمان دوران‌های متفاوتی را گذرانده‌ایم؛ عزت هم داشتیم، ذلت هم داشتیم؛ اما در این دوران طولانی دویست ساله‌ی منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذراندیم. در همین دوران دویست ساله است که معاهده‌ی ذلت‌بار ترکمانچای و قبل از آن، معاهده‌ی گلستان اتفاق افتاد؛ هفده شهر قفقاز را از ایران جدا کردند. در همین دوران دویست ساله بود که آمدند بوشهر ما را اشغال کردند. در همین دوران بود که یک دولت بیگانه آمد در قزوین اردوی نظامی زد و دولت مرکزی تهران را تهدید کرد که باید فلان کار را بکنید...والّا به تهران حمله می‌کنند.

آزایم‌ر دولت درباره دلان

خراسان: در خبرها آمده که طبق گزارش‌ها، وزارت اقتصاد در لایحه تقدیمی به هیئت دولت با موضوع مالیات بر فعالیت‌های اختلال‌زا، بخش مربوط به مالیات بر عایدی سرمایه در بخش مسکن را حذف کرده است. حتی این وزارتخانه اعلام کرده که لایحه مالیات بر عایدی مسکن را به دولت ارسال نمی‌کند.

طرحی که سال قبل مجلس با اعلام دولت مبنی بر ارائه لایحه در این زمینه، آن را ناتمام گذاشت، اکنون توسط وزارت اقتصاد کنار گذاشته می‌شود. مسئولان وزارت راه در دوره قبل معتقد بودند که اولاً مالیات بر عایدی مسکن را باید همزمان از همه بازارهای موازی مسکن نیز دریافت کرد. ثانیاً مالیات باید در شرایط رونق دریافت شود و زمانی که بخش مسکن در دوره رکود است، این طرح کارایی ندارد. بعد از آن ماجرا، وزارت اقتصاد مامور به تنظیم لایحه‌ای در این زمینه شد. با این شرایط اکنون معلوم نیست چه اتفاقی رخ داده که وزارت اقتصاد پای خود را از این موضوع پس کشیده است؟

باید توجه داشت دلایی که وزارت اقتصاد از ابتدا و در مخالفت با طرح مجلس مطرح کرد هم موجه نبود. چرا که اولاً هیچ دلیلی ندارد که وضع این مالیات ضد دلالی در شرایطی که بخش مسکن با یک بحران واقعی مواجه است، معطل دیگر بخش‌ها گذاشته شود. برآوردها نشان می‌دهد که کشور سالانه حداقل به ساخت دو میلیون و ۷۰۰ هزار واحد مسکونی تا هشت سال آینده نیاز دارد؛ یعنی حدود ۲۲ میلیون واحد مسکونی. این موضوع را بگذارید کنار این نکته که هم اکنون بیش از دو میلیون واحد مسکونی در کشور خالی است و به آسانی در معرض احتکار و دلالی قرار دارد. بنابراین در این شرایط عسر و تنگنا، هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که عمده‌ترین کالای معیشتی مردم یعنی مسکن با سهم بیش از ۳۰ درصد در سبد هزینه خانوار، امکان دلالی پیدا کند. البته این درست است که مبارزه با دلالی در این بخش، به الزامات و اجرای پایه‌های مالیاتی دیگری نظیر مالیات بر خانه خالی نیاز دارد تا از یک سو ظرفیت‌های خالی بازار مسکن آزاد شود و از سوی دیگر این ظرفیت‌ها هر چه بیشتر در خدمت تقاضای واقعی مسکن درآید. با این حال، تعلل بیش از سه ساله دولت در تامین پیش‌نیازهایی از قبیل ایجاد سامانه ملی املاک برای شناسایی واحدهای مسکونی خالی، جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای را در این زمینه باقی نمی‌گذارد. ضمن این که به گفته مسئولان سازمان مالیاتی، زیرساخت‌های اجرای مالیات بر عایدی سرمایه فراهم است.

از منظری دیگر باید گفت معلوم نیست ادعای قبلی دولت مبنی بر غیر کارا بودن وضع مالیات بر عایدی مسکن در دوران رکود، چه مبنای استدلالی دارد. مگر نه این است که در این طرح، انواع و اقسام معافیت‌ها و ملاحظات برای تفکیک حداکثری سوداگری از تقاضاهای مصرفی مسکن انجام شده است؟ (معافیت‌هایی نظیر اولین انتقال املاکی که قبل از اجرای این قانون خریداری شده باشند، نقل و انتقال واحد مسکونی اصلی هر شخص حقیقی، یک بار در هر دو سال، اولین انتقال ساختمان‌های نوساز، در صورتی که پنج سال از دریافت پروانه ساخت نگذشته باشد و...) و نیز مگر نه این است که دولت در پی رفع نیاز واقعی مردم به مسکن است؟ پس با این حساب، چگونه این مالیات که به تنظیم و تصفیه بازار ملک و مسکن کمک می‌کند، به رکود این بخش دامن خواهد زد؟